

## دهخدا و بازتاب وقایع مشروطه در مقالات چرند پرند

### دکتر حمیدرضا جدیدی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات، محلات، ایران

Jadidi.hamidreza@ymail.com

### اگرم ویسکرمی (نویسنده مسئول)

کارشناسی ارشد رشته‌ی تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی محلات، محلات، ایران

### چکیده

جنبش مشروطه نهضتی برای آزادی بیان، اندیشه و قلم بود. در این زمان نشریات و روزنامه‌ها به آزادی نسبی رسیدند. شاعران و نویسندگان روشنفکر و مشروطه خواه بر آن شدند مسائل و مشکلات عمیق اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه‌ی ایران آن روز را در قالب شعر، نثر سیاسی و طنزگونه، شبنامه‌ها و خطابه‌ها منعکس نمایند. در میان انبوه روزنامه‌ها و نوشتارها، روزنامه‌ی صور اسرافیل نقشی چشمگیر داشت. این روزنامه‌ی مردمی با سردبیری و نویسندگی دهخدا بر آن شد مسائل سیاسی روز و مشکلات اجتماعی - فرهنگی را در قالب مقالات «چرند پرند» که با زبانی ساده و عامیانه برای توده‌ی مردم نوشته می‌شد، بهتر و واضح تر منتقل کند و در واقع شمارگان بالای این روزنامه به دلیل همین زبان مردمی و سبک نگارش ساده‌ی آن بود. دغدغه‌ی اصلی دهخدا، روشنفکر از طرح این مقالات بیان مسائل ریشه‌ای جامعه در قالب طنز بود. او نه تنها از ناهنجاری‌های سیاسی و اجتماعی سخن می‌راند و انتقاد می‌کرد بلکه خواستار جامعه‌ای ایده‌آل و سازنده بود. از این رو سازندگی و داشتن جامعه‌ی آزاد با مردمی هوشیار، باسواد و آگاه به مسائل روز به دور از جهل و خرافه هدف والای دهخدا، مشروطه خواه و انقلابی بود. اصلاحات ساختاری با زیربنای اجتماعی - فرهنگی شعار و محتوای مقالات «چرند پرند» گردید. نظر به اهمیت و جایگاه ویژه‌ی این مقالات در روزنامه‌ی صور اسرافیل، این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی به دنبال بررسی مقالات چرند پرند و بازتاب وقایع تاریخی دوران مشروطه بر این مقالات است.

**واژگان کلیدی:** دهخدا، چرند پرند، مشروطه، صور اسرافیل، بازتاب وقایع

#### مقدمه

توسعه ی طنز و نقد سیاسی و اجتماعی از دستاوردهای ارزشمند انقلاب مشروطه است. بدین ترتیب در کنار روزنامه‌نویسی، شاهد طنز نویسی در این دوره هستیم. محتوای ادبیات طنز انعکاس مسائل و مشکلات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه عصر مشروطه بود. این شیوه‌ی طنزنویسی را علامه علی اکبر دهخدا با ظرافت و مهارت ویژه‌ای در نوشتن مقالات «چرند پرند» که در روزنامه‌ی صور اسرافیل منتشر می‌کرد به کار گرفت و بنیان‌گذار نثر طنزی و انتقادی فارسی شناخته شد. صور اسرافیل نوشته‌های طنزآمیز دهخدا را که به صورت مقاله‌های فکاهی، نامه‌های خوانندگان، گزارش‌ها و یادداشت‌های «چرند پرند» بود با نثری ساده و ابتکاری و با لفظ مردم کوچه و بازار که خاص دهخدا بود به رشته‌ی تحریر در می‌آورد. دهخدا در این مقالات، اوضاع نابسامان و آفت‌زده سیاسی و اجتماعی روزگار مشروطه، مفاصد رژیم استبداد و عملکرد کارگزاران آن را نقد و حلاجی می‌کرد و آشکارا از نمایندگان مجلس، دولتمردان بی‌کفایت، ظلم و ستم حاکمان ولایات و آشفتگی‌های سیاسی و اجتماعی روزگار خود انتقاد می‌کرد. در این نوشتار پس از بیان مختصری از زندگانی و آثار علامه دهخدا سعی شده به این سؤالات اساسی پاسخ داده شود:

- هدف از انتشار روزنامه‌ی صور اسرافیل و دلیل اهمیت آن چه بود؟
- محتوای مقالات «چرند پرند» و ویژگی نثر دهخدا در این مقالات چگونه بود؟
- دهخدا چگونه وقایع مشروطه را تحلیل کرده و این رویدادها در مقالاتش چگونه انعکاس پیدا کرده؟

#### ۱- شرح احوال و آثار علی اکبر دهخدا

میرزا علی اکبر دهخدا، ادیب، شاعر، طنزنویس، روزنامه‌نگار و منتقد اجتماعی در حدود سال ۱۲۵۸ ش در تهران به دنیا آمد. (دورودیان، ۱۳۸۳، ص ۷) وقتی در نه سالگی، پدرش خانابا خان را از دست داد، مادرش که به گفته‌ی او مثلاً اعلای مادری بود کار تربیت فرزندان را عهده دار گردید. درس قدیمه از صرف و نحو تا اصول فقه و کلام و حکمت را نزد غلامحسین بروجردی خواند و ده سال در محضر این عالم عالیقدر شاگردی کرد. (دهخدا، ۱۳۵۸، ص ۶) ازادت پدر

دهخدا به حاج شیخ هادی نجم آبادی سبب شد که دهخدا از افکار بکر این روحانی آگاه و روشنفکر بهره‌مند شود. (براون، ۱۳۷۶، ص ۳۳۹) این روحانی بزرگ دارای افکاری روشن و مترقی بود و تمام عمر طولانی خود را به تهذیب اخلاق و مبارزه با خرافات به پایان رساند. (ملک زاده، ۱۳۶۳، ص ۱۷۰) دهخدا تقویت عقل خود را از حاج شیخ هادی نجم آبادی می‌داند. (دهخدا، ۱۳۶۲، ص ۶) پس از آنکه تحصیلاتی قدیمی را نزد شیخ غلامحسین به پایان رساند. (آرین‌پور، ۱۳۸۲، ج ۳، ص ۱۲۹) با دایر شدن مدرسه‌ی علوم سیاسی تهران به آنجا رفت و مبانی علوم جدید و زبان فرانسه را آموخت. (باستانی پاریزی، ۱۳۸۳، ص ۹۳) پس از به پایان رسانیدن مدرسه سیاسی، به خدمت وزارت امور خارجه درآمد. (درویان، ۱۳۷۳، ص ۲) و به عنوان منشی معاون الذوله غفاری؛ وزیر مختار ایران در کشورهای بالکان، با او همراه شد و مدت دو سال در اروپا و بیشتر در وین، پایتخت اتریش اقامت کرد. (دهخدا، ۱۳۶۶، ص هشت) در آنجا تحصیلات خود را در زبان فرانسه کامل ساخت و دانشهای جدید را آموخت و با آگاهی‌های فراوان و اندوخته‌های ارزنده معنوی بعد از دو سال به ایران بازگشت. (حقیقت، ۱۳۸۱، ص ۱۱) بازگشت دهخدا به ایران همزمان با آغاز مشروطیت بود. ابتدا به مدت شش ماه در اداره‌ی راه سازی خراسان که در مقطعه‌ی حاج حسین آقا امین الضرب بود، با عنوان معاون و مترجم مسیو دو بروک مهندس بلژیکی (صدری‌نیا، ۱۳۷۸، ص ۴۴) با حقوق ماهی سی تومان استخدام شد. (افشار، ۱۳۵۸، ص ۸۷) پس از حدود شش ماه کار در اداره راه شوسه خراسان با امضای فرمان مشروطیت به دست مظفر الدین شاه در ۱۳۲۴ ه.ق با عنوان نویسنده و سر دبیر به هیئت تحریریه‌ی روزنامه «صور اسرافیل» راه یافت. (جدیدی، ۱۳۹۱، ص ۳۲۳) و به همکاری با میرزا جهانگیرخان شیرازی با عنوان مدیر و گرداننده امور و میرزا قاسم خان تبریزی با عنوان صاحب سرمایه پرداخت. (دهخدا، ۱۳۶۲، ص ۹) بدین ترتیب نخستین دوره فعالیت‌های سیاسی و ادبی دهخدا با روزنامه صور اسرافیل آغاز شد. (صدری‌نیا، ۱۳۷۸، ص ۴۵) روزنامه‌ای که در دوران مشروطیت ایران مقامی پر ارج داشت و در مبارزات آزادیخواهان تأثیر آن از یک سپاه رزمنده بیشتر بود. (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۰) او در این روزنامه مقاله‌های پر مغزی در زمینه‌ی مسائل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و بررسی وضع نابسامان داخلی می‌نوشت و در پایان مقاله‌ای طنزآمیز و انتقادی با عنوان «چرند

پرنده» در نقد اعمال ستمگران و جاهلان جامعه از هر طبقه و صنف با امضاهای مستعار دخو، خرمگس، اسیر الجوال، برهنه خوشحال، جغد، دمدمی و ... با طرحی بسیار ماهرانه و عباراتی ساده در حد زبان مردم عامه به رشته‌ی تحریر در می‌آورد. (دهخدا، ۱۳۶۲، ص ۱۱) با نوشتن مقالات «چرند پرنده» مکتب جدیدی در روزنامه نویسی و نثر معاصر ایران بنیان نهاد. لذا از نخستین پایه‌گذاران سبک ساده‌نویسی به شمار رفت. (درودیان، ۱۳۷۴، ص ۴) صور اسرافیل در ۳۲ شماره در تهران انتشار یافت و سه روز قبل از به توپ بستن مجلس تعطیل شد. (گلبن، ۱۳۸۷، ش ۸۷، ص ۱۷۰) پس از کودتای محمد علی شاه (جمادی الاول ۱۳۲۶ ق) و به توپ بستن مجلس که بسیاری از آزادی‌خواهان کشته، زندانی یا شکنجه شدند، بعد از تحصن در سفارت انگلیس تبعید گردید. او ابتدا در پاریس و آنگاه در سوییس به همراه میرزا قاسم خان تبریزی و ابو الحسن پیرنیا، سه شماره از صور اسرافیل را منتشر ساخت، بعد به استانبول آمد و سردبیر روزنامه‌ی مشروطه خواه "سروش" گردید که اولین شماره‌اش در ۱۲ جمادی الآخر ۱۳۲۷ ق منتشر شد. (محمدی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۰۸) دهخدا در این نوشته‌های طنزآمیز به انتقاد شدید از استبداد دربار قاجار و اوضاع نابسامان ایران پرداخت. (درودیان، ۱۳۸۴، ص ۹۲) پس از اینکه مجاهدین تهران را فتح کردند و محمد علی شاه از سلطنت خلع گردید (جمادی الثانی ۱۳۲۷ ق) دهخدا به سمت نمایندگی مردم تهران و کرمان در مجلس دوم انتخاب شد. (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۱) در ایام جنگ جهانی اول و مهاجرت آزادیخواهان در یکی از قرای بختیاری منزوی گردید. (دهخدا، ۱۳۶۲، ص ۱۵) در این هنگام او از کتابخانه‌ی امیر مفتح بختیاری در یکی از روستاهای نزدیک شهرکرد بهره برد. (جدیدی، ۱۳۹۱، ص ۳۲۴) و در اینجا بود که پایه تهیه مطالب کتاب «امثال و حکم دهخدا» و نیز «لغت‌نامه» را می‌ریزد و چون جنگ به پایان می‌رسد به تهران باز می‌گردد (دهخدا، ۱۳۶۲، ص ۱۵) و از کارهای سیاسی کناره می‌گیرد و به خدمات علمی و فرهنگی مشغول می‌شود. (دهخدا، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۱) پس از دوره دوم مجلس و کناره‌گیری از سیاست، مدتی ریاست دفتر وزارت معارف و ریاست تفتیش وزارت عدلیه را عهده دار می‌گردد. (محمدی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۲۰۹) در آغاز سال ۱۳۰۰ خورشیدی رئیس مدرسه علوم سیاسی که خود در آن دانش اندوخته بود، شد و پس از تبدیل آن مدرسه به دانشکده حقوق و علوم سیاسی

دانشگاه تهران تا سال ۱۳۲۰ ه.ش ریاست آن دانشکده را نیز عهده دار گردید. (دهخدا، ۱۳۶۲، ص ۱۶) با آغاز جنگ جهانی دوم دهخدا از کارهای دیوانی بازنشسته شد و به طور جدی به کار لغت نامه پرداخت. (همان، ص ۱۸) در سالهای پایانی زندگی به حکومت دکتر محمد مصدق دل داد و او را با قلم و قدم یاری کرد و در حمایت از حکومت ملی دکتر مصدق، مقالات، اشعار و مصاحبه‌های رادیویی و مطبوعاتی ترتیب داد. از کارهای برجسته ی وی در این ایام تأسیس جمعیت مبارزه با بی سوادی است در اوایل اسفند ماه ۱۳۲۹ ه.ش. با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ ه.ش و سقوط حکومت مصدق، دهخدا را متهم به مخالفت با دستگاه سلطنت کردند و وی را مورد بازجویی قراردارند. و در واقع، دهخدا با کودتای ۲۸ مرداد دق مرگ شد. (دهخدا، ۱۳۶۲، ص ۲۵) این ادیب وطن دوست و پژوهشگر نابغه پس از عمری تلاش بی وقفه در هفتم اسفند ۱۳۳۴ ه.ش در هفتاد و شش سالگی در تهران به رحمت ایزدی پیوست و در ابن بابویه به خاک سپرده شد. (جدیدی، ۱۳۹۱، ص ۳۲۵)

#### از دهخدا در زمینه‌های مختلف آثار با ارزشی به جا مانده که عبارتند از:

۱- لغت نامه که بزرگترین فرهنگ نامه فارسی است و محصول کوشش‌های مداوم چهل و پنج ساله دهخدا و گروهی از یاران اوست ۲- امثال و حکم فارسی در چهار جلد ۳- مجموعه مقالات دهخدا که شامل نوشته‌های طنزآمیز چرندپرند نیز می‌باشد ۴- ترجمه‌ی عظمت و انحطاط رومیان ۵- ترجمه‌ی روح القوانين ۶- دیوان اشعار ۷- فرهنگ فرانسه به فارسی ۸- شرح حال ابو ریحان بیرونی ۹- پندها و کلمات قصار ۱۰- صحاح الفرس ۱۱- تعلیقات بر دیوان ناصر خسرو ۱۲- تصحیح دیوان سید حسن غزنوی ۱۳- تصحیح لغت فرس اسدی ۱۴- تصحیح دیوان فرخی ۱۵- تصحیح دیوان مسعود سعد سلمان ۱۶- تصحیح دیوان منوچهری ۱۷- تصحیح دیوان سوزنی سمرقندی ۱۸- تصحیح دیوان ابن یمین ۱۹- تصحیح یوسف و زلیخا ۲۰- تصحیح دیوان حافظ (معین، ۱۳۳۵، ش ۹۹، صص ۲۹۵-۳۰۰)

#### ۲- صور اسرافیل و روزنامه نگاری دهخدا

علی اکبر دهخدا روزنامه‌نگاری را با سردبیری صور اسرافیل آغاز کرد. روزنامه‌ای که با تدبیر دهخدا در عهد خود شور و هیجانی در میان روشنفکران، آزادیخواهان و توده ی مردم برپا کرد. او

در صور اسرافیل با زبان مردم سخن گفت و از این جهت سبک نوینی در روزنامه نگاری بنیان نهاد. سی و دو شماره از این روزنامه در تهران منتشر شد. با کودتای محمد علی شاه در جمادی الاول ۱۳۲۶ ه. ق دهخدا به اروپا تبعید شد و در ایوردن سوییس سه شماره از این روزنامه را در آنجا منتشر کرد. (قاسمی، ۱۳۷۵، ش ۸۴، ص ۳۰۱) شعار این روزنامه حریت، مساوات و اخوت بود و هدف آن تکمیل معنی مشروطیت، حمایت مجلس شورای ملی و معاونت روستاییان، فقرا و مظلومین بود. (صدری نیا، ۱۳۷۸، ش ۴۱، ص ۴۵) از این رو صور اسرافیل روزنامه‌ای است مردم پسند که نویسندگان آن نه تنها از قانون اساسی و مجلس حمایت می‌کنند، بلکه جانب ستمدیدگان و محرومان و تهیدستان را نیز می‌گیرند. (بالائی، ۱۳۶۶، ص ۶۸) اهمیت صور اسرافیل در زمان انتشار، به مناسبت مقالات سیاسی و اجتماعی و نوشته‌های دهخدا به عنوان «چرند پرند» بود. و از آنجا که این نوشته‌ها نوعی تازه از نقد و بیان مطالب اجتماعی و سیاسی به زبان طنز بود طبعاً طرفداران زیادی داشت. گرایش صور اسرافیل به زبان زنده و مأنوس توده مردم و به کار بردن لغات و ترکیبات عامیانه نه تنها این روزنامه را به میان طبقات بازاری، کاسب و مردم عامی برد و بر شهرت و محبوبیتش افزود بلکه از عواملی بود که سبک نثر فارسی را دگرگون کرد. (درودیان، ۱۳۹۰، صص ۹) صور اسرافیل روزنامه‌یی تاریخی، سیاسی، اجتماعی و اخلاقی بود. (خاتمی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۲۶۴) و مقاله‌های طنزآمیز آن به قلم دهخدا به بازگویی و کالبد شکافی معضلات و مسائل سیاسی، اجتماعی و انتقاد شدید از استبداد دربار قاجار می‌پرداخت. (اباذری، ۱۳۸۴، ش ۲۵، ص ۲۶) گردانندگان روزنامه‌ی صور اسرافیل از آن به عنوان یک حربه استفاده کردند. حربه روزنامه نگاری و مطبوعات که به سوی هدف اصلی یعنی محمد علی شاه قاجار؛ پادشاه مستبد ضد مشروطه، درباریان و وزیران او که برای از میان بردن مجلس به نمایندگان آن رشوه می‌دادند و بالاخره عناصر مرتجعی که می‌خواستند سلطه استبداد همچنان بر مردم حاکم باشد، نشانه‌گیری شده بود. (بالائی، کوی پی پرس، ۱۳۶۶، ص ۷۱) از اینرو طنز دهخدا در این رشته مقالات کل جامعه را در بر می‌گرفت. فنودالها، مأموران ستمگر دولت در روستاها، حقوق زنان، ساده لوحی و زودباوری مردم، مجلس و نمایندگان فاسد آن، استعمارگران اروپایی، عقب ماندگی ایران در فنون و صنعت و ضعف اقتصادی آن، مسائل بزرگ اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی و ورشکستگی و

نابسامانی نظام استبداد زده قاجار یک‌یک، در زیر قلم گزنده طنز و هزل دهخدا مورد نقد و بررسی قرار می‌گرفتند. (درودیان، ۱۳۷۴، ص ۴) از این رو دهخدا با شروع کار در صور اسرافیل آگاهانه دست به یک انتخاب سیاسی زد و به عنوان مبارزی هوشمند در صف مخالفان قاجارها قرار گرفت. دهخدا ضد مذهب نبود، بلکه فردی مذهبی بود که با جهل، خرافات و خرافه پرستی و تعصبات کور مبارزه می‌کرد. (مرادی کوچی، اسماعیلی گلهرانی، ۱۳۸۱، ص ۲۵) و علاج این نابسامانیها را در استقرار حکومت قانون و برچیدن بساط خودسری و خودکامگی می‌دانست. (عنایت، ۱۳۶۹، ش ۷، ص ۲۹)

### ۳- چرند پرند دهخدا و محتوای آن

مقالات چرند و پرند دهخدا از لطیف‌ترین و ظریف‌ترین طنزهای روزنامه صور اسرافیل است. این مقالات آئینه‌ی تمام نمای زندگی تأثر انگیز مردم ایران در سالهای آغاز مشروطیت است. (دامادی، ۱۳۷۰، ص ۶۶) چرند پرند نوشته‌ای سیاسی و اجتماعی است که از یک سو به مسائل جاری سیاست می‌پرداخت و از سوی دیگر مسائل ژرف اجتماعی و فرهنگی را بیان می‌کرد. بنابراین برای درک محتوای واقعیش باید پوسته‌ی طنز آن را شکافت و به هسته‌ی درونی‌اش دست یافت. (یزدانی، ۱۳۹۰، ص ۲۲) در این نوشته‌ها دهخدا در پوشش طنز حقایق تلخ روزگار استبداد را به رشته تحریر در می‌آورد، به مسائل اساسی روزگار خود می‌پرداخت و آشکارا سر به سر نمایندگان مجلس، وزرا و دولتمردان می‌گذاشت و با سرزنش آنان، از عشرت طلبی و بی‌خبریشان از اوضاع نابسامان مردم و مملکت شکوه سر می‌داد. (آژنده ۱۳۸۵، ش ۱۸، ص ۴۴) دهخدا در سراسر «چرند پرند» بر این امر تأکید می‌کند که این بزرگان و دولتمردان نمی‌توانستند پشتیبان مشروطه باشند و چرخ‌های حکومت ملی و قانونی کشور را بچرخانند. (درودیان، ۱۳۹۰، ص ۴۱) چرند پرند مدرکی است برای بررسی مشروطیت ایران؛ و نوشته‌ای است که به یاری آن می‌توان بر گوشه‌ای از اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی دهخدای مشروطه خواه و انقلابی دست یافت. (یزدانی، ۱۳۸۲، ش ۴، ص ۲۳۹) در مقالات چرند پرند از همه چیز سخن رفته و انتقاد شده است. از حکومت و دولت، رجال ناشایست و بی‌کفایت دستگاه قاجار، مداخله اجانب در مصالح کشور، خیانت مسئولان امور مملکت و ستم‌هایی که به صورت‌های گوناگون به مردم می‌شد. حکومت قاجار که

به ظاهر هواخواه مشروطه بود و در باطن در محو آن می‌کوشید، بی‌همتای وکلای ملت، رشوه گرفتن روزنامه‌ها، اختلافات طبقاتی، افکار خرافه‌آمیز مردم، اعتیاد اشخاص به تریاک، خرابی راه‌های کشور، خرابی نان تهران، بی‌سوادی، بی‌بهداشتی (درودیان، ۱۳۹۰، ص ۹۶) وضعیت رقت بار روستاییان و کشاورزان، نادانی و بیچارگی زنان ایرانی و دهها موضوع دیگر که در نوشته‌های دهخدا مکرر مطرح شده است. (آرین‌پور، ۱۳۵۷، ج ۲، ص ۷۹) چرند پرند مجموعه‌ای است واقع‌گرا که با آزادی، زندگی، زبان و فرهنگ مردم پیوندی عمیق و استوار دارد و سلاخی است مؤثر در دستان قدرتمند و توانای دهخدا که با عشق، علاقه و دلسوزی و از روی اعتقاد با استبداد عصر خود می‌جنگد. (یمینی، ۱۳۸۴، ش ۱۷، ص ۲۲) و به عنوان یک ناظر آگاه تیزبین و هوشمند این رویدادها را دیده، درک کرده و با زبان طنز برای داوری نسل‌های بعد به یادگار گذاشته است. (اباذری، ۱۳۸۴، ش ۲۵، ص ۲۸).

#### ۴- ویژگی نثر دهخدا در چرند پرند

دهخدا با نوشتن «چرند پرند» نخستین پایه‌گذار ساده‌نویسی در ایران به شمار می‌رود. که کار او را بعدها سید محمد علی جمالزاده در "یکی بود یکی نبود" و صادق هدایت در مجموعه قصه‌هایش به کمال رسانیدند. نثر چرند پرند ساده، صمیمی، نرم و آشنا، پر خون و پرتحرک است. دهخدا در چرند پرند، از آنجا که مخاطبانش عامه و انبوه مردم اند، به زبان ایشان سخن می‌گوید. از اصطلاحات، تشبیهات، استعارات، مثلها و متلکهای آنان مدد می‌گیرد و نثر سنگین خود را می‌آفریند. (درودیان، ۱۳۷۴، ص ۴) این سبک نگارش در ادب فارسی بی‌سابقه است و مکتب جدیدی در روزنامه‌نویسی، نویسندگی و نثر معاصر فارسی است، که دهخدا بنیان‌گذار آن است. (دهخدا، ۱۳۶۲، ص ۱۱) چرند پرند علی‌اکبر دهخدا آغاز تجربه وی در قلمرو داستان‌نویسی است. (آژند، ۱۳۸۵، ص ۴۵۷) زبانی که دهخدا برای آدمها و اشخاص چرند پرند به کار می‌گیرد، در واقع ریشه‌های اصلی زبان داستانی در ادبیات فارسی است. (درودیان، ۱۳۸۳، ص ۱۰) دهخدا در نثر خود تلاش می‌کند زبان محاوره هر شخصیتی با لحن ویژه خود ارائه شود. از این رو در آخوند، دهاتی، گدا، زن‌خانه‌دار، کاسب و... هر یک زبان ویژه‌ی خود را دارند. هر یک از این آدمها درست همان‌طور که می‌اندیشند و سخن می‌گویند با اصطلاحات، الفاظ و تکیه کلامهای خود در



طرح‌های دهخدا داخل می‌شوند. به طور کلی می‌توان گفت دهخدا «عامل لحن» را در ادبیات معاصر، خاصه داستان نویسی وارد ساخته و پایه‌های ادبیات معاصر را پی‌ریزی کرده است. (آژند، ۱۳۸۵، ص ۴۵۷) دهخدا نخستین کسی بود که زبان کوچه و بازار را وارد ادبیات مکتوب کرد. دهخدا دریافته بود که زبان عامیانه، از آنجا که به ذهن عوام نزدیکتر است یکی از برنده‌ترین سلاح‌های مبارزه ادبی و وسیله‌ای مؤثر برای بیان حقایق تلخ اجتماعی و مبارزه با مفاسد است. در قالب این زبان سرشار از استعاره و کنایه مضامین سیاسی را با ظرافتی کم نظیر بیان می‌کند و دشمنان آزادی را به باد انتقاد می‌گیرد. (مرادی کوچی و اسماعیلی گلهرانی، ۱۳۸۱، ص ۳۰) پر مغزی، درستی، صحت معانی، شیرینی و پختگی نثر دهخدا در این مقالات او را از پیشروان برجسته نثر داستانی ایران می‌کند. دهخدا نثر داستانی ایران را اعتلا می‌بخشد و آن را پخته‌تر و سخته‌تر می‌کند. (آژند، ۱۳۸۵، ش ۱۸، صص ۱۴-۱۶) از این رو افتخار نگارش اولین داستانهای کوتاه، در قالب نامه و گفتگو، به علی اکبر دهخدا تعلق دارد. دهخدا آگاهانه و هدفمند زبان مردم ساده را به کار می‌گیرد و با این کار زمینه‌ی تکامل زبان و ادبیات فارسی را فراهم می‌سازد (علوی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۷) پرفسور ادوارد براون مستشرق معروف انگلیسی سبک عامیانه‌ی دهخدا را در نوشتن مقالات چرند پرند مورد تحسین قرار داده و در میان ادبای معاصر ایران رتبه نخست را به او اختصاص می‌دهد. (براون، ۱۳۷۶، ص ۴۱۷) شیوه نگارش دهخدا در چرند پرند گویای این واقعیت است که از نثر کهنه و متحجر دوره قاجار باید دست کشید و زبان نوشته را به زبان گفتاری مردم نزدیک کرد. (ظریفیان، ۱۳۸۸، ش ۲۴۴-۲۴۵، ص ۳۰) نثر دهخدا؛ پلی است بین قصه نویسی و روزنامه‌نویسی، نثری است روزنامه‌ای و عامیانه بدون آنکه مبتذل باشد و طنز است بدون آنکه به هجو بیانجامد و نثری انتقادی است بدون آنکه فقط در سطح انتقاد باقی بماند. (براهنی، ۱۳۵۲، ص ۵۳۶).

نثر درخشان چرند پرند رویدادی ادبی و نوگرایانه است که تا قبل از آن در ادب فارسی سابقه نداشته است. این نثر طنز آمیز که از ویژگی‌های سبکی نظم و نثر دوره مشروطه است، در نزد بزرگ مردان روشنفکری چون دهخدا در خدمت مبارزات ساسی است. و هدف آن صرفاً شوخی و سرگرمی نیست بلکه بیان مفاسد و نابسامانیهای اجتماعی است. (یمینی، ۱۳۸۴، ش ۱۷، ص ۲۲)

این شیوه انتقاد از نارسائیهای جامعه که در ادبیات عصر مشروطه به «طنزنویسی» معروف شد فرصتی بود برای کسانی از جمله دهخدا که تصویری حقیقی از مسائل اجتماعی را به گوش مردم غفلت زده جامعه برسانند. (ورهرام، ۱۳۶۷، ص ۱۰۲) شیوه‌ای که دهخدا در چرند پرند به کار می‌گیرد از بلاغتی خاص برخوردار است. جمله‌ها کوتاه است و از حیث نظم و ترکیب اجزاء تابع زبان گفتار است. تحولی که دهخدا در نثر فارسی ایجاد کرد علاوه بر اینکه او را از پیشگامان نثر فارسی و پدر زبان قصه‌نویسی در ادبیات فارسی جای داد، باعث شد که ادبیات در خدمت مردم قرار گیرد و آرمانها و خواسته‌های مردم در آن انعکاس پیدا کند. (اباذری، ۱۳۸۴، ش ۲۵، ص ۲۸) وجود مطالب تاریخی و ریشه یابی بسیاری از وقایع در این نوشته‌ها نیز قابل تأمل است.

#### ۵- بازتاب وقایع مشروطه بر مقالات دهخدا

جنبش مشروطه عصر شکوفایی روزنامه‌نگاری بود. (درودیان، ۱۳۹۰، ص ۱۰) روشنفکران ایرانی این جنبش را مقدمه بیداری ملت می‌دانند. (یزدانی، ۱۳۸۵، ص ۶۷) چرا که در این دوران زبان و قلم آزاد شد و روزنامه‌ها بر آن شدند تا مصالح امور مملکت را آزادانه منعکس نمایند. (همان، ص ۷۷) در میان روزنامه‌هایی که در دوره مجلس اول (۱۲۸۵-۱۲۸۷ ه.ش) منتشر می‌شد، صور اسرافیل جایگاهی خاص داشت. این نخستین روزنامه‌ی ملی و آزادی بود که به صورت پربارترین و ارزشمندترین نشریه روزگار خود درآمد. شهرت و محبوبیت این روزنامه به خاطر مقاله‌های طنزآمیز «چرند پرند» بود که توسط دهخدا سردبیر و نویسنده‌ی اصلی این روزنامه نگاشته می‌شد. (یزدانی، ۱۳۸۲، ش ۴، ص ۲۰۸) در اینجا به اختصار نمونه‌هایی از چرند پرند را که به بازتاب وقایع مربوط به مشروطه پرداخته شده، می‌آوریم:

در مقاله‌ای که در شماره یازدهم صور اسرافیل چاپ شده دهخدا در توصیفی که از اعضای دولت امین السلطان اتابک اعظم می‌کند می‌خواهد بی تخصصی و ناکارآمدی وزیران این دولت را به تصویر بکشد. میزا علی اصغر خان امین السلطان اتابک اعظم پس از چند سال زندگی در فرنگ، به دعوت محمد علی شاه به ایران بازگشته بود. هفتاد و چهار نماینده‌ی مجلس نیز با ورود او به کشور موافقت کرده بودند. (صور اسرافیل، ش ۱۱، ص ۷) دهخدا در مورد بازگشت اتابک به کشور می‌نویسد: «هفتاد و چهار رأی مجلس یک گرگ چهل ساله را از برلین دوباره کشیده و به

جان ملت می‌اندازد. (صور اسرافیل، ش ۲۲، ص ۷) اتابک پس از ورود به پایتخت، در ربیع الاول ۱۳۲۵ دولتی تشکیل داد. آزادیخواهان مخالف سرسخت اتابک بودند و صور اسرافیل نیز آراء و عقاید این گروه را منعکس می‌کرد. (یزدانی، ۱۳۸۲، ش ۴، ص ۲۲۰) وزیران دولت اتابک افرادی فاسد، وابسته به بیگانگان و بی کفایت بودند. نمونه‌ی ایشان وزیر جنگ مستوفی الممالک بود. (صور اسرافیل، ش ۱۱، ص ۸) برای نشان دادن بی کفایتی این وزیر دهخدا به ماجرای وارد شدن عثمانی‌ها به خاک ایران در دوره زمامداری اتابک اشاره می‌کند. عثمانی‌ها وارد خاک ایران شده بودند و در اطراف ارومیه تاخت و تاز می‌کردند. دولت در برابر این تهاجم واکنشی نشان نداد. آزادیخواهان معتقد بودند که شاه یا اتابک برای برچیدن بساط مشروطه، عثمانی‌ها را فراخوانده بودند که به ایران بتازند. (یزدانی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۳) دهخدا ابتدا نامه‌ای از قول اهالی ارومیه نقل می‌کند که در آن چنین آمده است: «آی کربلایی! خانه‌مان خراب شد، زن، بچه، عیال، اولاده، برادر، پسر، هرچه داشتیم یا کشته شدند یا از ترس مردند. نمی‌دانی چه قیامتی است. مال رفت، عیال رفت، اولاد رفت». (صور اسرافیل، ش ۱۳، ص ۷) سپس ارومیه‌ای‌ها از خود می‌خواهند به وزیر جنگ بگویند که به یاری «رعیت» خود بشتابید و گرنه برای این افراد چاره‌ای نمی‌ماند جز آنکه تبعه‌ی روسیه بشوند. خود چنین می‌گوید: «وزیر جنگ چه بکند. این بلایی است که از آسمان نازل شده. اینها همه سرنوشت خودتان است... تقدیر را که نمی‌شود برگرداند». (همان، ص ۸)

در چرند و پرنده شماره ۱۴ دهخدا از مخالفان مشروطه از جمله شیخ فضل الله نوری سخن به میان می‌آورد که به اعتقاد او توسط شاه ضد مشروطه خواهان اجیر شده بود. او مانند بیشتر آزادیخواهان تردید نداشت که دربار، مخالفان مشروطه را سازماندهی می‌کرد. (صور اسرافیل، ش ۱۴، ص ۷) شاه در رأس حکومت قرار داشت، اما سردمدار استبداد خواهان بود و سر رشته‌ی همه‌ی حرکتها ضد مشروطه را پی‌ریزی می‌کرد. اما گفتن این واقعیات در چنان جو استبداد زده‌ای چندان ساده نبود، دهخدا این واقعیات اجتماعی را در پوششی از طنز بیان می‌کرد تا پرده از دخالت شاه در آن ماجراها بردارد. (یزدانی، ۱۳۸۲، ش ۴، ص ۲۲) دهخدا در این مقاله می‌نویسد یک نفر پیشخدمت مخصوص رفته زانوی یک سید مجتهد را بوسیده که بیا برو شاه عبد العظیم (صور

اسرافیل، ش ۱۴، صص ۷-۸) مقصود دهخدا در این مقاله بست نشینی شیخ فضل الله نوری در اعتراض به مفاد متمم قانون اساسی در حرم حضرت عبد العظیم است. شیخ فضل الله از آغاز با مشروطه خواهان همراه بود ولی بعدا مخالف سرسخت آنها شد. (جدیدی، ۱۳۹۱، ص ۳۴۰) وی در دوره مشروطه صغیر یعنی از زمان صدور فرمان مشروطه تا بمباران مجلس و کودتای محمد علی شاه در کنار این شاه مستبد بود. (کسروی، ۱۳۷۸، ص ۵۶۹) با اکراه تا مهر ۱۲۸۵ از نهضت مشروطه طرفداری کرد اما اندکی بعد سرسخت‌ترین مخالف آن شد. (آفاری، ۱۳۸۵، ص ۷۶) شیخ فضل الله و بعضی از روحانیون مفاد متمم قانون اساسی را که در ۱۵ مهر ۱۲۸۶ تصویب شده و به امضای محمد علی شاه نیز رسیده بود، مغایر با قوانین دانسته و به اعتراض در شاه عبد العظیم چند هفته متحصن شدند و مشروطه‌ی مشروعه طلب کردند. (کرمانی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۷۸) شیخ نوری و طرفدارانش در این بست نشینی به تبلیغ شدید ضد جنبش مشروطه پرداختند. دهخدا آن حرکت شیخ فضل الله را نتیجه اقدامات شاه می‌دانست و مقصود او از «پیشخدمت مخصوص» کسی جز مجلل السلطان نیست که پیشخدمت شاه بود و یکی از سردمداران و سازمان دهندگان حرکت‌های مخالف مشروطه بود. دهخدا می‌گوید که مجلل السلطان مسلما به امر شاه از یک مجتهد، احتمالا سید ابو طالب زنجانی، درخواست کرده که به بست نشینان حرم حضرت عبد العظیم بپیوندد یعنی دست شاه را در آن حرکت می‌ببند. علاوه بر اینکه شاه شیخ فضل الله و طرفداران او را در براندازی اساس مشروطه حمایت می‌کرد. هزینه‌های هنگفتی را نیز صرف مقابله با مشروطه خواهان می‌کرد. (درویان، ۱۳۹۰، ص ۴۱) در همین مقاله دهخدا می‌نویسد: «جواهرات مال ملت است. نادرشاه اینها را در ازای دو میلیون خون ایرانی‌ها از هند آورده است». (صور اسرافیل، ش ۱۴، صص ۷-۸) این سخن دهخدا به این ماجرا اشاره دارد که شاه جواهرات سلطنتی را در بانک استقراضی روس گرو گذاشته بود تا پول دریافتی در ازای آنها را خرج مخالفان مشروطه کند. دهخدا می‌خواهد بگوید که آن جواهرات به شاه تعلق ندارد، بلکه متعلق به همه ایرانیان است، اما شاه نه تنها به این گنجینه‌ی ملی دست درازی کرده، بلکه آنرا صرف مقابله با مشروطه خواهان نیز می‌کند. (یزدانی، ۱۳۸۲، صص ۲۲۲-۲۲۳) یکی از مهم‌ترین مقاله‌های «چرند پرند» که در شماره‌ی چهارم صور اسرافیل با امضای "جغد" منتشر شده، کنسرتی خیالی است از زبان دختران دزدیده

شده‌ی قوچانی که در یکی از کافه‌های شانتان تفلیس اسباب عیش و نوش اربابان و مشتریان را فراهم می‌کنند. این مقاله نخستین سخن منظوم دهخداست. (دهخدا، ۱۳۶۶، صص ۱۳-۱۵) این واقعه در سال ۱۳۲۳ ه.ق در شهر قوچان خراسان در زمان حکومت آصف الدوله حاکم خراسان رخ داد. در این سال تعدادی از دختران جوان قوچانی را ترکمانان تبعه‌ی روسیه‌ی تزاری می‌ربایند و با خود می‌برند. این اقدام ناجوانمردانه با موافقت برخی از عمال دولتی از جمله آصف الدوله انجام می‌گیرد و مقاله دهخدا در واقع نخستین واکنش اعتراض آمیز ایرانیان غیرتمند مسلمان نسبت به این واقعه است. (بشیری، ۱۳۷۹، ش ۱۱، صص ۱۱۷-۱۱۸) آصف الدوله که پس از امضای فرمان مشروطه از برپایی انجمن در خراسان جلوگیری می‌کرد به وسیله‌ی مجلس از کار برکنار شد. او خوار و زبون به تهران می‌آید. مجلس ماجرای فروش دختران قوچانی را در عهد ولایت او براساس تلگراف ایرانیان عشق آباد و بعضی گزارشهای دیگر پی‌گیری می‌کند. ایرانیان عشق آباد تلگرافی به مجلس فرستاده بودند بدین مضمون: «ما به چشم خود دیدیم که اطفال قوچانی‌ها را در عشق آباد مثل گوسفند و سایر حیوانات به ترکمانان می‌فروختند و کسی نبود دادرسی نماید. (کرمانی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۹۱) پس از طرح این مسئله در مجلس و بازخواست آصف الدوله آزادی دختران قوچانی یکی از آرزوهای آزادیخواهان و مردم شد. (همان، ص ۲۷۸) پیش از فراخوانی آصف الدوله به مجلس از این اتفاق برای تشویق و ترغیب مردم به مشروطه خواهی استفاده می‌شود. (جدیدی، ۱۳۹۱، ص ۳۳۸) به عنوان مثال سید محمد طباطبایی در عریضه‌ای که به مظفر الدین شاه در ربیع الاول ۱۳۲۴ می‌نویسد او را از این فاجعه آگاه ساخته بود. ناظم الاسلام کرمانی متن عریضه‌ی طباطبایی را اینگونه آورده: «اعلیٰ حضرت مملکت خراب، رعیت پریشان و گداست. تعدی حکام و مأمورین برمال و عرض و جان رعیت دراز. ظلم حکام و مأمورین اندازه ندارد... پارسال دخترهای قوچانی را در عوض سه ری گندم (هر ری معادل ۱۲ من تبریز) مالیات که نداشتند بدهند به ترکمانها و ارامنه عشق آباد به قیمت گزاف فروختند. ده هزار رعیت قوچانی از ظلم به خاک روس فرار کردند... (کرمانی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۳۹) واقعه‌ی "فروش دختران قوچان" حکایتی شد که دهان به دهان گشت، از سر منبرها نقل شده، در «شبنامه‌ها»، مناظرات، تصنیف‌های سیاسی و از همه مهمتر در مقالات روشنفکران چون دهخدا به شعر و طنز انعکاس

پیدا کرد. (نجم آبادی، ۱۳۷۴، ص ۴) هدف اصلی دهخدا در این مقاله نشان دادن مسائل سیاسی کشور است و تأکید بر بی مسئولیتی رؤسای مملکت و ظلم و ستم‌هایی که بر مردم خود روا می‌داشتند. (یزدانی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۳) در آخرین شماره "چرند پرند" نشر تهران شماره ۳۲ که ۳ روز قبل از بمباران مجلس و آغاز استبداد صغیر مورخ شنبه ۲۰ جمادی الاولی ۱۳۲۶ ه.ق با عنوان «ملت و دربار» منتشر شد، دهخدا به صراحت از مقاصد شاه و نیات او در مبارزه با ملت و سرکوبی آزادیخواهان و مشروطه طلبان و اعمال قهر و خشونت خبر می‌دهد. (اردلانی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۷) دهخدا در این مقاله تجهیز سپاه و تدارکات توسط محمد علی شاه برای به توپ بستن مجلس را پیش‌بینی کرده و در پوشش طنز این واقعه شوم را منعکس کرده است. اینکه رئیس مملکتی یک روز صبح به طور ناگهانی قزاقان سیلاخوری را بسیج و تجهیز کند و با کالسکه شش اسبه از کاخ سلطنتی خارج شود و محافظین او با شمشیر و شلاق مردم را از سر راه او دور کنند و صغیر و کبیر را زیر تازیانه بگیرند و در یک محل بیلاقی خارج از شهر ساکن شوند (عنایت، ۱۳۶۹، ش ۷، ص ۲۳) مقدمه اعلام حکومت نظامی است. دهخدا آشکارا از خطر کودتا، امکان حمله به مجلس و احتمال کشتار آزادیخواهان سخن می‌گوید. (یزدانی، ۱۳۸۲، ش ۴، ص ۲۳۷) .... مردیکه یک من ریش توی روش است، بین دیروز به من چه می‌گوید. می‌گوید: دولت می‌خواهد این قشون را جمع کند و مجلس را به توپ ببندد. خدا یک عقلی به تو بدهد. یه پول زیادی به من. آدم برای یک عمارت پی و پاچین در رفته، از پشت دروازه تهران تا آن سردنیا اردو می‌زند... یکی دیگرمی‌گوید: شاه با این قشون می‌خواهد اول همه باغشاه را بگیرد. بعد قشون کشی کند به طرف مهرآباد و بالاخره همه ایران را بگیرد. (صور اسرافیل، ش ۳۲، ص ۷) دهخدا در این مقاله با لحنی کنایه آمیز و طنزی شیرین حقایق را که دقیقاً چهار روز بعد یعنی ۲۴ جمادی الاولی ۱۳۲۶ جامه ی عمل می‌پوشد با زبان ساده و عوامانه به رشته‌ی تحریر می‌کشد. ولی رندانه خود را به کوچه‌ی علی چپ می‌زند و می‌نویسد: ... می‌دانید دولت می‌خواهد چه بکند، دولت می‌خواهد این قشون را به اسم خراب کردن مجلس و گرفتن سید جمال و ملک (ملک المتکلمین) و هرچه مشروطه طلب یعنی مفسد هست جمع کند... آن وقت اینها را دو دسته کند، یک دسته را به اسم مطیع کردن ایل قشقای و بختیاری بفرستد به طرف جنوب، و یک دسته را هم به اسم تسخیر

کردن آذربایجان بفرستد به طرف شمال... آن وقت آن دسته‌ی اولی را از طریق خلیج فارس روانه کند به طرف انگلیس، و دسته‌ی دومی را از سرحد جلفا بفرستد به طرف روسیه... (یزدانی، ۱۳۸۲، ش ۴، ص ۲۳۷) والله خدا تیغش را بُرا کند. خدا دشمنش را فنا کند. این هم نقشه شاپشال است که کشیده، اگر نه عقل ما ایرانی‌ها که به این کارها نمی‌رسید که. (صور اسرافیل، ش ۳۲، ص ۸) رهبران مشروطه معتقد بودند که شاپشال یکی از طراحان برنامه‌ی کودتاست و با نقشه خود سیاست روسیه را در ایران پیش می‌برد. این که دهخدا در این مقاله می‌گوید شاپشال نقشه حمله به روسیه و انگلیس را کشیده است، بیان طنزآلود همین اعتقاد است.

محمد علی شاه به یاری نیروهای نظامی خود و سربازان سیلاخوری در روز سه شنبه ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ ه.ق مجلس و مسجد سهپسالار را محاصره می‌کنند و با شلیک توپ مجلس را منهدم و خراب می‌کنند. گنبد و گلدسته مسجد سهپسالار را نیز خراب کرده و اسباب مجلس را که بالغ بر یک کرور تومان بود به غارت بردند. (جدیدی، ۱۳۹۱، ص ۳۴۶) محمد علی شاه نظام مشروطه را برانداخت، گروهی از آزادیخواهان را به بند کشیده و چند تن از آنان را کشت از جمله ملک المتکلمین و میرزا جهانگیرخان شیرازی مدیر و گرداننده‌ی اصلی روزنامه‌ی صور اسرافیل. واقعه‌ی کشتن صور اسرافیل و جمع دیگری از آزادیخواهان آنقدر برای دهخدا سهمگین بود که مشهورترین سروده‌ی او «مرغ سحر» در ارتباط با این موضوع است. با مطلع:

ای مرغ سحر چو این شب تار بگذاشت ز سر سیاهکاری

(جدیدی، ۱۳۹۱، ص ۳۴۷)

دهخدا ضمن افشاگری این موضوع که محمد علی شاه به همراه درباریان و نظامیان وفادار خود و با راهنمایی مشاوران روسی‌اش، لیاخوف و شاپشال و حمایت بعضی روحانیون و رجال ضد مشروطه در باغشاه پناه گرفته و برای وارد آوردن ضربه نهایی بر نظام مشروطه آماده می‌شود، (مازیار، ۱۳۹۰، ص ۴۱۳) اینطور وانمود می‌کند که شاه قصد تسخیر دیار کفّار و فرهنگیان (روس و انگلیس) را دارد؛ منتها با نقشه و سیاست ماهرانه، و از فرمانده روسی قزاقان «شاپشال» هم تشکر می‌کند که چنین طرح دقیقی را برای براندازی فرنگ و توسعه قلمرو اسلام به سرشاه انداخته. (اردلانی، ۱۳۷۹، صص ۱۲۸-۱۲۹) بنابراین دهخدا نقشه‌ی کودتا را زاده‌ی فکر شاپشال می‌داند.

وی در قتل بیش از پانصد نفر از آزادیخواهان ایرانی هنگام حمله به مجلس و کودتا علیه مشروطه خواهان نقش مهمی ایفا کرد. (ملک زاده، ۱۳۶۳، ص ۲۵۲) نکته ظریف این است که دخو در مواردی برای حکومت، عقل و شعور قائل نیست. او از نادانی و جاهلیت دستگاه استبداد و دولتمردان بی کفایت این گونه برداشت می کند که کسی از دستگاه حاکم متوجه نیش و کنایه ها و شوخی های دندانهای او نیست. دخو می خواهد بگوید همان طور که دولت، ملت را احمق و نادان فرض می کند و بر آنها سلطه مطلق دارد ملت هم حق دارد جاهلیت حکومت را حداقل در قالب طنز به تصویر بکشد. تصویر ریشخندآمیزی که دهخدا از قشون و قشون کشی و آمادگی نظامی شاه و نقشه های شاپشال برای تسخیر دیار فرهنگ می کشد نمونه ای از این طنزپردازی ماهرانه است. دهخدا نه احتمال کودتا را دست کم می گیرد و نه می خواهد خطر ضد انقلاب را اندک جلوه دهد، بلکه می داند که قدرت برابری در مقابل نیروی نظامی محمد علی شاه را ندارد از این رو نسبت به استبداد وی و دولتمردان بی لیاقتش برتری اخلاقی احساس می کند و در قالب طنز تصویری از واقعیت موجود می آفریند. (یزدانی، ۱۳۸۲، ش ۴، صص ۲۳۷-۲۳۸) با دقت در متن مقالات میتوانیم موارد دیگری بیابیم که از تیز بینی و شجاعت وی در اشاره به وقایع روزگارش حکایت می کند.

### نتیجه گیری

علامه دهخدا (۱۲۵۸-۱۳۳۴ ه.ش) منشأ خدماتی ارزشمند در زمینه ادبیات، فرهنگ، روزنامه نویسی و پژوهشگری است. اما آنچه دهخدا را به چهره ای ممتاز و شخصیتی بی دلیل در ادبیات فارسی معاصر می کند تحولاتی است که در زمینه نثر داستانی ایران به وجود آورده. او این نثر صیقل خورده غنی شده از استعارات و ضرب المثلهای مردمی را در نوشتن مقالات انتقادی و طنز آمیز «چرند پرند» که در روزنامه ی رادیکال و آزادیخواه صور اسرافیل منتشر می شد به کار گرفت و در جهت بیداری و آگاهی مردم غفلت زده ی عصر استبداد نقشی مفید و سازنده ایفا کرد. محتوای این مقالات بیان مسائل اجتماعی، سیاسی، معضلات فرهنگی و وقایع تاریخی بود. دهخدا این مسائل را در قالب طنز می گنجاند، آنها را نقد می کرد و پرده از مفاسد و نابسامانی های اجتماع روزگار خویش بر می داشت. او به عنوان یک مبارز فرهنگی برای نجات ایران از انواع عقب



ماندگی‌ها تلاش می‌کند و با زبانی ساده و روان و به صورت طنزآمیز شدیدترین حمله‌ها را به حکومت استبداد و در رأس آن محمد علی شاه می‌کند. دهخدا وقایع تاریخی عصر مشروطه را در پوسته‌ی شیرین طنز می‌پیچد و مخاطبان خود را به تفکر به حقایق تلخ استبداد حاکمانی مثل آصف الدوله و نالایقی وزیرانی مثل مستوفی الممالک و بی‌کفایتی و ناکارآمدی دولت امین السلطان وا می‌دارد. در میان مقالات دهخدا علاوه بر مقالات اجتماعی، سیاسی، فرهنگی ردپای وقایع تاریخی عصر مشروطه نیز مشاهده می‌شود. در این میان واقعه تلخ به توپ بستن مجلس، فروش دختران قوچانی با همدستی آصف الدوله حاکم خراسان به ترکمانان، تحصن شیخ فضل الله نوری و همدستان وی در حرم حضرت عبد العظیم ضد مشروطه خواهان، ورود عثمانی‌ها به خاک ایران و تاخت و تاز در ارومیه و نبودن یک وزیر لایق و آگاه به علم جنگ و مسائلی از این قبیل نمایان‌تر است. در یک جمله میتوان گفت مقالات علامه دهخدا آینه‌ی بی‌است‌که‌به‌خوبی اوضاع اجتماعش در آن بازتاب یافته است.

**منابع و مآخذ**

۱. آراین پور، یحیی، ۱۳۸۲، از نیما تا روزگار ما، جلد سوم، تهران، زوار.
۲. آراین پور، یحیی، ۱۳۵۷، از صبا تا نیما، جلد دوم، تهران، کتابهای جیبی.
۳. آژند، یعقوب، ۱۳۸۵، جلوه‌های زبان عامیانه در نثر دوره مشروطه، فصلنامه فرهنگ مردم، سال پنجم، شماره ۱۸.
۴. آژند، یعقوب، ۱۳۸۵، تجدد ادبی در دوره مشروطه، تهران، مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
۵. آفاری، ژانت، ۱۳۸۵، انقلاب مشروطه‌ی ایران، ترجمه رضا رضایی، تهران، بیستون، چاپ سوم.
۶. اباذری، منیژه، ۱۳۸۴، چرند و پرند دهخدا از دیدگاه اجتماعی، سیاسی و ادبی، نشریه حافظ، شماره ۲۵.
۷. اردلانی، اجلال، ۱۳۷۹، ادوار نثر فارسی در دوره مشروطه، تهران، ژیار.
۸. افشار، ایرج، ۱۳۵۸، نامه‌های سیاسی دهخدا، تهران، روزبهان.
۹. باستانی پاریزی، محمد ابراهیم، ۱۳۸۳، تلاش آزادی، تهران، علمی.
۱۰. بالائی، کریتسف و میثل کشویی پرس ۱۳۶۶، سرچشمه‌های داستان کوتاه فارسی، ترجمه دکتر احمد کریمی حکاک، تهران، پایپروس.
۱۱. براون، ادوارد، ۱۳۷۶، انقلاب مشروطیت ایران، ترجمه مهری قزوینی، تهران، کویر.
۱۲. براهنی، رضا، ۱۳۵۲، قصه نویسی، تهران، نشر نو.
۱۳. بشیری، محمد، ۱۳۷۹، جایگاه علامه دهخدا در شعر معاصر، نشریه ادبیات و زبانها، شماره ۱۱.
۱۴. جدیدی، حمیدرضا، ۱۳۹۱، خاک وطن که رفت... (دفتری در شعر و تاریخ مشروطیت)، سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد محلات
۱۵. حقیقت، عبد الرضیع، ۱۳۸۱، شاعران بزرگ معاصر از دهخدا تا شاملو، تهران، کوشاس
۱۶. خاتمی احمد، ۱۳۷۳، تاریخ ادبیات ایران در دوره بازگشت ادبی، جلد دوم، تهران، پایا.

۱۷. دامادی، سید محمد، ۱۳۷۰، فارسی عمومی، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۸. درودیان، ولی الله، ۱۳۸۳، دهخدا مرغ سحر در شب تار (گزیده مقاله‌ها درباره دهخدا)، تهران، اختران.
۱۹. درودیان، ولی الله، ۱۳۷۴، برگزیده و شرح آثار دهخدا، تهران، مجموعه ادب جوان.
۲۰. درودیان، ولی الل، ۱۳۸۴، دخوی نابغه (گزیده مقاله‌ها درباره دهخدا) تهران، گل آقا.
۲۱. درودیان، ولی الله، ۱۳۹۰ دهخدا چراغی که خاموش شد (گزیده مقاله‌ها درباره دهخدا)، تهران، آیدین.
۲۲. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۶۲، مقالات دهخدا به کوشش سید محمد دبیر سیاقی، تهران، امیر کبیر.
۲۳. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۲، لغت نامه دهخدا، جلد اول، تهران مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۴. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۶۶، دیوان دهخدا، به کوشش دبیر سیاقی، تهران، تیراژه.
۲۵. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۵۸، گزیده امثال و حکم، به کوشش دبیر سیاقی، تهران، تیراژه.
۲۶. صرو اسرافیل، لوح مطبوعات فارسی ایران (۲)، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، کد: ۴۸۷.
۲۷. صور اسرافیل (دوره کامل)، ۱۳۶۱، مجموعه متون و اسناد تاریخی، تهران، تاریخ ایران. چاپ اول.
۲۸. صدری نیا، باقر، ۱۳۷۸، دهخدا مرغ سحر در شب تار، نشریه هند و معماری، شماره ۴۱.
۲۹. ظریفیان، محمد، ۱۳۸۸، دهخدا و فرهنگ مردم، نشریه جهان کتاب، شماره ۲۴۵-۲۴۴.
۳۰. علوی، بزرگ، ۱۳۸۶، تاریخ ادبیات معاصران ایران، ترجمه دکتر سعید فیروزآبادی، تهران، جامی.
۳۱. عنایت، محمود، ۱۳۶۹، دهخدا و طنز سیاسی، نشریه هند و معماری کلک، شماره ۷.
۳۲. قاسمی، سید فریده، ۱۳۷۵، روزنامه نگاری دهخدا، ماهنامه فرهنگی و هنری کلک، شماره

۳۳. کرمانی، ناظم الاسلام، ۱۳۷۱، تاریخ بیداری ایرانیان (۲ جلدی)، تهران، امیر کبیر.
۳۴. کسروی، احمد، ۱۳۷۸، تاریخ مشروطه‌ی ایران، تهران، امیر کبیر.
۳۵. گلبن، محمد، ۱۳۸۷، روزنامه‌ی صور اسرافیل در تهران و سوئیس، نشریه تاریخ، شماره ۸۷.
۳۶. مازیار، سحر، ۱۳۹۰، یادآر ز شمع مرده یادآر (کارنامه، نقد و تحلیل و گزیده‌ی اشعار علی اکبر دهخدا، تهران، سخن).
۳۷. محمدی، حسنعلی، ۱۳۷۲، شعر معاصر ایران (از بهار تا شهریار)، جلد اول، تهران، ارغنون.
۳۸. مرادی کوچکی، شهناز و فتح الله اسماعیلی، ۱۳۸۱، معرفی و شناخت علی اکبر دهخدا، تهران، قطره.
۳۹. معین، محمد، ۱۳۳۵، چراغی که خاموش شد، نشریه ادبیات و زبانها، شماره ۹۹.
۴۰. ملک زاده، مهدی، ۱۳۶۳، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، دو جلدی، تهران، علمی.
۴۱. نجم آبادی، افسانه، ۱۳۷۴، حکایت دختران قوچان، تهران، روشنگران.
۴۲. ورهرام، غلامرضا، ۱۳۶۷، نظام سیاسی و سازمانهای اجتماعی ایران در عصر قاجار، تهران، معین.
۴۳. یزدانی سهراب، ۱۳۸۵، نامه آزادی، تهران، نی.
۴۴. یزدانی، سهراب، ۱۳۸۲، سیاست در چرند پرندهخدا، مجله تخصصی گروه تاریخ دانشگاه تهران، سال چهارم، شماره ۴.
۴۵. یمینی، پرستو، ۱۳۸۴، نقش علی اکبر دهخدا در ادبیات سیاسی مشروطیت، نشریه حافظ، شماره ۱۷.



